



THE
MENTORING
PROJECT

راهنمایی روحانی:
چگونه یکی را پیدا کنیم
و خودمان یکی باشیم



BEAU HUGHES

راهنمایی روحانی:
چگونه یکی را پیدا کنیم
و خودمان یکی باشیم



بو هیوز

فهرست مطالب

۴.....	راهنمای روحانی: چگونه یکی را پیدا کنیم و خودمان یکی باشیم
۶.....	بخش اول: پولس و تیموتائوس
۱۴.....	بخش دوم: یافتن یک راهنمای روحانی
۲۰.....	بخش سوم: یک راهنمای روحانی بودن
۲۵.....	نتیجه گیری
۲۶.....	یادداشت ها



راهنمایی روحانی: چگونه یکی را پیدا کنیم و خودمان یکی باشیم

مقدمه

در دو دههٔ گذشته که به عنوان شبان در کلیسایی خدمت کرده‌ام که پر از دانشجویان کالج است، یکی از پرسش‌های بسیار رایج که دریافت می‌کنم این است: «چگونه می‌توانم یک راهنمای روحانی پیدا کنم؟» معمولاً این سؤال را دانشجویان یا فارغ‌التحصیلان جوان می‌پرسند؛ کسانی که در جمع هم‌سن‌های خودشان هستند اما به شدت نیاز به خرد، مشورت و رابطه با کسی بزرگ‌تر و باتجربه‌تر احساس می‌کنند؛ با کسی که جاده زندگی را جلو رفته است. آنها یک راهنمای روحانی می‌خواهند حتی اگر دقیقاً معنی‌اش را ندانند. بسیاری حتی فرض می‌کنند که این نوعی حق طبیعی زندگی مسیحی است.

ناگزیر، این اشتیاق و جستجو برای راهنمایان روحانی از سوی زنان و مردان جوان در جماعت ما، این سوال را از سوی دیگر برانگیخت: «چگونه باید به کسی راهنمایی بدهم؟» هرچند بزرگتر بودن یا قرار داشتن در مرحله دیگری از زندگی ممکن است شما را به‌طور خودکار به گزینه‌ای مناسب تبدیل کند، اما وقتی کسی از شما می‌خواهد به او راهنمایی بدهید، واقعاً یعنی چه؟ آنها در واقع چه می‌خواهند؟ راهنمایی دادن به کسی شامل چه چیزهایی می‌شود؟ چطور باید این کار را انجام داد؟

در طول سال‌ها، بارها و بارها شاهد این رفت‌وبرگشت در کلیسای خود بوده‌ایم. عده‌ای مشتاق پیدا کردن راهنمای روحانی هستند و عده‌ای هم مشتاق راهنمایی. اما هیچ‌کدام دقیقاً نمی‌دانند از کجا باید شروع کنند. مهم‌تر از آن، خیلی‌ها مطمئن نیستند که اصلاً راهنمایی روحانی چیست. هدف این راهنمای کاربردی که دارید می‌خوانید این است که پایه و مبنایی فراهم کند برای اینکه «یافتن راهنمای روحانی» و «راهنما بودن» چه معنایی دارد.

راهنمایی روحانی چیست؟

به طور کلی، راهنمایی روحانی یعنی راهنمایی خداپسندانه برای تمام ابعاد زندگی است.

از نگاه ما مسیحیان، این یعنی کمک به دیگران برای اینکه تمام زندگی خود را تحت فرمانروایی عیسی مسیح قرار دهند. بنابراین راهنمایی روحانی شامل انواع مختلف راهنمایی است؛ جایی که یک نفر حکمت، دانش، مهارت‌ها و تجربیات خود را به اشتراک می‌گذارد تا دیگری در آن زمینه‌ها رشد کند.

راهنمای روحانی کسی است که زندگی‌اش ارزش الگوبرداری دارد؛ کسی که آگاهانه در یک رابطه نزدیک و دوطرفه سرمایه‌گذاری می‌کند. رهجو یا راهنمایی‌شونده مشتاق رشد و یادگیری است و از یک الگوی شایسته طلب حکمت و هدایت می‌کند. پس راهنمایی مسیحی رابطه‌ای است که در آن فردی بزرگ‌تر، حکمت مربوط به تمام زندگی را به فردی جوان‌تر منتقل می‌کند. چنین رابطه‌ای گسترده است و شامل چیزی می‌شود که معمولاً آن را «شاگردسازی» نیز می‌نامیم.

علاوه بر این توصیف کلی از راهنمایی روحانی، کتاب مقدس نمونه‌ای روشن و آموزنده از راهنمایی روحانی را نیز ارائه می‌دهد که اکنون به آن می‌پردازیم.

یکی از واضح‌ترین تصاویر راهنمایی روحانی در عهد جدید، رابطه پولس رسول و تیموتائوس است. در واقع طی سال‌های متمادی، بسیاری از افراد پرسش‌ها و درخواست‌های مربوط به راهنمایی روحانی را بر اساس همین رابطه بیان کرده‌اند.

۱

پولس و تیموتائوس

در کتاب اعمال رسولان و در دو نامه شخصی‌ای که پولس رسول به تیموتائوس نوشت (اول و دوم تیموتائوس)، می‌بینیم که تیموتائوس از یک شاگرد جوان عیسی به یکی از جانشینان پولس در خدمت تبدیل شد. نگاهی کوتاه به رشد تیموتائوس تحت راهنمایی پولس، برای ما بنیانی قوی و الگویی برای راهنمایی روحانی فراهم می‌کند. آنچه در پی می‌آید تأملی است بر راهنمایی روحانی پولس به تیموتائوس آن‌گونه که در کتاب مقدس توصیف شده است، و سپس پیامدهای عملی آن برای راهنمایی روحانی امروزی بیان خواهد شد.

با اینکه شاید وسوسه شوید تأملات الهیاتی را کنار بگذارید و مستقیم به کاربردهای عملی برسید، در برابر این وسوسه مقاومت کنید. این تأملات دربارهٔ رابطهٔ پولس و تیموتائوس صرفاً مقدمه‌چینی بی‌فایدهٔ الهیاتی نیست؛ بلکه کمک می‌کند جای پای الهیاتی‌ای به‌دست آوریم تا بفهمیم راهنمایی روحانی از نگاه مشخصاً مسیحی چه معنا و هدفی دارد. باز هم این سؤال مطرح است: چطور می‌شود کسی را واقعاً راهنمایی روحانی کرد یا از کسی راهنمایی گرفت، بدون اینکه بدانیم هدف راهنمایی روحانی چیست؟ این تأملات از رابطهٔ پولس و تیموتائوس بنیانی پایدار و دسته‌بندی‌های عملی فراهم می‌آورد تا هم راهنمایان و هم رهجویان بتوانند با اعتماد وارد روابط راهنمایی روحانی خود شوند.

راهنمایی روحانی پولس به تیموتائوس: خلاصه

اگرچه دربارهٔ زندگی اولیه و ایمان تیموتائوس اطلاعات زیادی نداریم، اما نامه‌های پولس به او به ما نشان می‌دهند که تیموتائوس از کودکی، خداترسی را آموزش دیده بود، آن هم توسط مادر یهودی اش، یونیک، و مادر بزرگش، لوتیس (دوم تیموتائوس ۱:۵). این زنان خداشناس نخستین و بنیادی‌ترین راهنمایان روحانی تیموتائوس بودند. از کودکی، این زنان وفادار او را با کتاب مقدس آشنا کردند و الگوی ایمان برای او شدند (دوم تیموتائوس ۳:۱۴-۱۵).

تا جایی که می‌دانیم، راهنمایی روحانی پولس به تیموتائوس در شهر لستره و در دومین سفر بشارتی پولس آغاز شد (اعمال ۱:۱۶). زمانی که پولس او را شناخت، تیموتائوس در میان اهل کلیسا خوش نام شده بود (اعمال ۲:۱۶). به بیان دیگر، او یک گزینهٔ ایده‌آل برای رهجو شدن بود. در همان سفر، پولس چیزی در تیموتائوس دید که باعث شد او را همراه خود به مأموریت ببرد (اعمال ۳:۱۶). به‌نظر می‌رسد پولس در امر راهنمایی روحانی فعال و فرصت‌جو بود. او چشم به راه فرصت‌هایی بود تا کسانی مثل تیموتائوس را که در نسل آینده برجسته بودند راهنمایی کند. رابطهٔ راهنمایی روحانی

پولس با تیموتائوس از همین‌جا شروع شد.

وقتی پولس لستره را ترک کرد، تیموتائوس بلافاصله وارد کار خدمت شد. او پولس و سیلاس را همراهی کرد و یاری داد. در همان اوایل سفر، پولس تیموتائوس را با سیلاس گذاشت تا نخستین فرصت‌ها برای مسئولیت‌پذیری بیشتر را تجربه کند (اعمال ۱۷:۱۴). پولس در ادامه سفر نیز وظایف ویژه‌ای به تیموتائوس سپرد (اعمال ۱۹:۲۲) و کم‌کم رهبری بیشتری به او واگذار کرد. پولس زندگی و انرژی خود را وقف تیموتائوس کرد و بی‌وقفه برای رشد دادن او در خدمت تلاش نمود. گرچه کتاب اعمال خلاصه‌ای از چیزهایی را که تیموتائوس دید نقل می‌کند، اما ما فقط می‌توانیم درس‌هایی را که تیموتائوس یاد گرفت و توضیحاتی را که از پولس شنید متصور شویم. بدون شک، افتادن در دل چنین تجربه‌هایی باعث شد تیموتائوس در باورها، دعوت، شخصیت و توانمندی‌های خود به سرعت رشد کند. با گذشت سال‌ها، تیموتائوس از میان بسیاری از رهجویان پولس به یکی از وفادارترین و مورد اعتمادترین همکاران او تبدیل شد.

پولس تیموتائوس را نه تنها یک همکار (رومیان ۱۶:۲۱؛ اول تسالونیکیان ۳:۲) یا یک برادر در مسیح (دوم قرنتیان ۱:۱؛ کولسیان ۱:۱؛ اول تسالونیکیان ۳:۲)، بلکه او را فرزند عزیز و وفادار خود در خداوند می‌دانست (اول قرنتیان ۴:۱۷؛ اول تیموتائوس ۱:۱۸؛ دوم تیموتائوس ۱:۲). پولس در نامه‌های شخصی‌اش به تیموتائوس روزه‌ای به رابطه راهنمایی روحانی باز می‌کند و امیدها و انتظاراتش را از ادامه رشد و شکوفایی تیموتائوس حتی پس از مرگ خود بیان می‌کند.

با اینکه پولس تیموتائوس را عملاً برای هدفی مشخص یعنی خدمت تربیت می‌کرد، در راهنمایی روحانی او چیزهایی هست که به همه روابط راهنمایی روحانی مربوط می‌شود. در واقع یکی از درون مایه‌های اصلی در دو نامه پولس به تیموتائوس این است که او می‌خواست تیموتائوس را در چهار حوزه مشخص از زندگی‌اش تربیت کند: باورها، دعوت و خواندگی، شخصیت و توانمندی‌ها. پولس می‌دانست این چهار حوزه برای شکوفایی تیموتائوس اساسی‌اند. بنابراین از پولس یاد می‌گیریم که هدف زیرساختی راهنمایی روحانی همین رشد دادن شاگرد در این چهار حوزه است. بررسی دقیق‌تر نامه‌های اول و دوم تیموتائوس این دسته‌بندی‌ها را روشن‌تر می‌کند.

نامه اول تیموتائوس

نامه اول پولس به تیموتائوس بر این متمرکز است که چگونه تیموتائوس باید کلیسا را در شهر افسس رهبری و نظارت کند. به عنوان یکی از مأموریت‌های ویژه، پولس تیموتائوس را در افسس گذاشت تا با معلمان دروغین شهر روبه‌رو شود.^۱ این کار چندان دلپذیر نبود. هرچند تیموتائوس در اوایل دهه سی سالگی زندگی‌اش بود^۲ و از نظر دنیا هنوز نسبتاً جوان به حساب می‌آمد، اما پولس باور داشت رهجویش توان رویارویی با این چالش‌شبان را دارد. او این نامه را نوشت تا تیموتائوس را به عنوان نماینده خود در افسس تصدیق کرده و او را در کار خدمت تقویت کند.^۳ این نامه برای هر کسی که می‌خواهد یاد بگیرد چگونه نسل بعدی رهبران را پرورش دهد، سرشار از بینش و نکته است.

باورها و دعوت

پولس نامهٔ اولش به تیموتائوس را با خطاب شخصی و فرمانی مستقیم به او آغاز می‌کند و از او می‌خواهد هدف نهایی زندگی و خدمتش را به یاد داشته باشد: «محبتی برخاسته از دلی پاک، وجدانی صالح و ایمانی بی‌ریا» (۵:۱). برای اینکه تیموتائوس بتواند این فرمان را انجام دهد، پولس او را به یاد «نبوتهایی که پیشتر بر تو شد» می‌اندازد «تا به مدد آنها در نبرد نیکو پیکار کنی، و به ایمان و وجدانی پاک متمسک باشی، چرا که کشتی ایمان بعضی با زیر پا نهادن آنها درهم شکسته است» (۱۸:۱-۱۹). پولس نامه‌اش را اینطور آغاز می‌کند. قبل از اینکه پولس به تیموتائوس بگوید چه باید بکند، با چیزی فوری‌تر آغاز می‌کند: یادآوری دعوت خدمتی‌اش و تشویق او به چنگ زدن به باورهای ایمانی‌اش که بنیان خدمت اوست.

پولس باور داشت که آموزهٔ سالم تیموتائوس و دعوت او به خدمت، دعوتی که با عطا ی روح و از طریق نبوتهایی که درباره‌اش شده بود تأیید شده بود، تیموتائوس را برای کار سختی که در پیش دارد توانمند می‌سازد. پولس می‌دانست که بدون پایداری در باورهای الهیاتی و بدون اطمینان به دعوت خدمتی خود، ایمان و خدمت تیموتائوس به شکست خواهد انجامید. به همین دلیل این نامهٔ شخصی به رهجویش با چنین یادآوری‌هایی آغاز می‌شود.

پولس نامه را نیز تقریباً به همین شیوه به پایان می‌برد. اشاره می‌کند که باورها و دعوت تیموتائوس باید شخصیت و سبک زندگی او را شکل دهند. او تیموتائوس را اندرز می‌دهد: «در نبرد نیکوی ایمان پیکار کن و به دست آور آن حیات جاویدان را که بدان فرا خوانده شدی، آن هنگام که در برابر شهود بسیار، اعتراف نیکو را کردی» (۱۴-۱۲:۶). چند جمله بعد، پولس با التماس نامه را پایان می‌دهد: «ای تیموتائوس، امانتی را که به تو سپرده شده است، حفظ کن» (۲۰:۶). توجه‌برانگیز است که پولس نامه را همان‌گونه به پایان می‌برد که آغاز کرده بود؛ یعنی تأکید بر اینکه باورهای تیموتائوس که در اعتراف نیکوی او مشهود شد، برای وظایف شبانی‌اش در افسس حیاتی است.^۵

سرآغاز و انتهای این نامه بیش از همه دربارهٔ دو ستون اصلی راهنمایی روحانی مسیحی به ما می‌دهند. وقتی پولس به تیموتائوس توضیح می‌دهد که چگونه باید خدمت خود را در افسس انجام دهد، تأکید می‌کند که ضروری است تیموتائوس اعتراف ایمان و اطمینان دعوت خدمتی خود را به یاد داشته، حفظ کرده و از آن پاسداری کند. دغدغه و اصرار پولس برای اینکه تیموتائوس این حقیقت را درونی کند، از نحوهٔ آغاز و پایان نامه مشهود است. اما پولس در راهنمایی روحانی‌اش به تیموتائوس روشن می‌کند که تنها یادآوری مستمر باورهای مسیحی یا اطمینان از دعوت شبانی برای شکوفایی کافی نیست. تیموتائوس باید بر این بنیان‌ها شخصیت و توانمندی خود را توسعه دهد.

شخصیت و توانمندی

در یکی از به‌یادماندنی‌ترین بخش‌های مرتبط با راهنمایی روحانی در تمام کتاب مقدس، پولس روشن تر توضیح می‌دهد که هدف راهنمایی روحانی چیست:

اگر این امور (توصیه‌های پیشین) را به برادران گوشزد کنی، خادم نیکوی مسیح عیسی خواهی بود، پرورش یافته در کلام ایمان و تعلیمی نیکو که پیروی آن کرده‌ای. تو را با افسانه

های کفرآمیز و حکایت‌های پیرزنان کاری نباشد، بلکه خود را در دینداری تربیت کن. زیرا گرچه تربیت بدن را اندک فایده‌ای است، اما دینداری برای همه چیز فایده دارد، و هم زندگی حال را وعده می‌دهد، هم حیات آینده را. این سخن درخور اعتماد و پذیرش کامل است که ما امید خویش را بر خدای زنده نهاده‌ایم که نجات‌دهندهٔ جملهٔ آدمیان، بخصوص مؤمنان است؛ و برای همین نیز زحمت می‌کشیم و جدّ و جهد می‌کنیم.

این امور را حکم فرما و تعلیم ده. مگذار هیچ‌کس تو را به سبب جوانیات حقیر شمارد، بلکه در گفتار و کردار و محبت و ایمان و پاکی، همهٔ مؤمنان را سرمشق باش. تا آدمدم، به قرائت کلام خدا و اندرز و تعلیم مشغول باش. به آن عطایی که در توسّ بی‌اعتنایی مکن، عطایی که به واسطهٔ نبوّت یافتی، آنگاه که هیئت مشایخ بر تو دست گذاشتند. در این امور بکوش و خود را به تمامی وقف آن کن تا پیشرفت تو بر همه آشکار شود. به دقّت، مراقب شیوهٔ زندگی و تعلیم خود باش. در آنها پایداری کن، که اگر چنین کنی خویشتن و شنوندگانت را نجات خواهی داد. (اول تیموتائوس ۴: ۱۶)

در این آیات، پولس بار دیگر بر ضرورت این تأکید می‌کند که تیموتائوس باید خود را در «کلام ایمان و تعلیمی نیکو» که به آنها پایبند بوده تمرین دهد (۴: ۶). او همچنین هشدار قبلی‌اش را تکرار می‌کند که «به آن عطایی که در توسّ بی‌اعتنایی مکن» (۴: ۱۴)؛ عطیه‌ای که خدا به تیموتائوس بخشیده بود. این‌ها همه نشان‌دهندهٔ دغدغهٔ پولس است که تیموتائوس در باورها و دعوت خدمتی خود رشد کند. اما این بخش نکتهٔ بیشتری نیز دارد.

جوهرهٔ متن این است که باورها و دعوت خدمتی تیموتائوس باید دو بُعد اصلی خدمت او را شکل دهد: شیوهٔ زندگی‌اش و تعلیمش. گوردون فی توضیح می‌دهد که این بخش «نشان می‌دهد پولس می‌خواست تیموتائوس هم در زندگی خدایسندانه (آیه ۱۲) و هم در خدمت (آیات ۱۳-۱۴)، الگویی برای دیگران باشد (آیات ۱۲ و ۱۵). همهٔ این‌ها برای خیر شنوندگانش.»^۶ به بیان دیگر، با تکیه بر باورهای ایمانی و دعوت خدمتی‌اش، تیموتائوس باید مردی با شخصیتی بی‌عیب و توانمندی قابل توجه باشد؛ کسی که هم زندگی مسیحی را به‌درستی تعلیم می‌دهد و هم آن را عملاً به نمایش می‌گذارد. ترکیب سبک زندگی تیموتائوس (آیات ۷، ۸، ۱۲، ۱۵-۱۶) و تعلیم او (آیات ۶، ۱۱، ۱۳، ۱۵-۱۶) که از باور و دعوتش نشأت می‌گیرند، در واقع همان کار خدمت شبانی است که تیموتائوس باید خود را وقف آن می‌کرد.

نامهٔ اول تیموتائوس نشان می‌دهد که هدف راهنمایی روحانی تقویت باورهای ایمانی و دعوت خدمتی رهجو است. باور رهجو دربارهٔ خدا و اینکه خدا او را برای چه خدمت و کاری در چهارچوب مأموریت بزرگ دعوت و تجهیز کرده، برای شکوفایی او بنیادین است. با این حال، این نامه همچنین مرکزیت رشد در شخصیت و توانمندی را روشن می‌کند. اگر بخواهیم اهداف پولس را در راهنمایی روحانی در اول تیموتائوس خلاصه کنیم، می‌توان گفت این اهداف عبارتند از: رشد در باورها، دعوت، شخصیت و توانمندی. همین را در دوم تیموتائوس نیز می‌بینیم.

نامه دوم تیموتائوس

نامه دوم پولس به تیموتائوس بسیار شخصی‌تر از نامه اول اوست. هرچند پولس همچنان درباره بسیاری از مشکلات کلیسای افسس نگران است، این نامه لحن کاملاً متفاوتی به خود گرفته است. دلیل این تفاوت آن است که وضعیت شخصی پولس از زمان نوشتن نامه نخست به‌طور چشمگیری تغییر کرده بود. وقتی پولس نامه دوم را به تیموتائوس می‌نویسد، در زندان است و در انتظار اعدام؛ و مرگ قریب‌الوقوعش بر آخرین نامه‌اش به مردی که سال‌ها او را راهنمایی کرده سایه انداخته است. فی توضیح می‌دهد که

از یک منظر، این نامه حکم وصیت‌نامه آخر را دارد؛ نوعی «سپردن ردای خدمت» به جانشین. برخلاف اول تیموتائوس، دوم تیموتائوس شدیداً شخصی است و روزهای نخست همراهی آنان را به یاد می‌آورد (۳:۱۰-۱۱؛ مقایسه کنید با ۱:۳-۵) و از همه مهم‌تر، وفاداری پایدار تیموتائوس را به انجیل، به خود پولس و به دعوت خدمتی‌اش فرا می‌خواند (۱:۴-۶؛ ۱۳-۱۲؛ ۳:۱۰-۴:۵).^۷

در این نامه پولس قلب خود را آشکار می‌سازد. توماس لیا و هین پی. گریفین این مضمون را چنین خلاصه می‌کنند: «پولس توجه خود را بر تیموتائوس متمرکز کرده است. این کلامی شخصی خطاب به پیرو محبوب اوست.»^۸ سخنان پولس تصویری از امیدهای او در واپسین روزهای زندگی‌اش برای پسر ایمانی‌اش را نشان می‌دهد. این نامه خلاصه‌ای صادقانه و بی‌پرده از امید پولس است مبنی بر اینکه تیموتائوس در خدمت استقامت خواهد ورزید و ایمان را به نسل آینده خواهد سپرد. این نامه یکی از روشن‌ترین تصویرها از قلب و امید راهنمایی روحانی مسیحی را به ما نشان می‌دهد.

باورها و دعوت

با اینکه لحن این نامه متفاوت است، سخنان پولس در این نامه دوم از جنس همان سفارش‌هایی است که از نامه اول او خلاصه کردیم. پولس به تیموتائوس یادآور می‌شود که باورهای ایمانی و دعوت خدمتی‌اش اساس شکوفایی او هستند: «ایمان بی‌ریای تو را به یاد می‌آورم... از این رو، تو را یادآور می‌شوم که آن عطای خدا را که به واسطه دست گذاشتن من، در تو جای گرفته، شعله‌ور سازی. زیرا روحی که خدا به ما بخشیده، نه روح ترس، بلکه روح قوّت و محبت و انضباط است.» (۵:۱، ۷:۶).

«ایمان بی‌ریای تیموتائوس (۵:۱) و «عطای خدا» (۶:۱) نقطه آغاز زندگی و خدمت او بودند. تیموتائوس می‌بایست به این باور راستین پایبند می‌ماند و عطایا و دعوت خدمتی‌اش را «شعله‌ور» می‌ساخت. پولس خودش را الگو و معیار برای تیموتائوس قرار می‌دهد و می‌گوید: «با ایمان و محبتی که در مسیح عیسی یافت می‌شود، به آنچه از من شنیده‌ای چون الگوی تعلیم صحیح سخت بچسب. به یاری روح القدس که در ما ساکن است، آن امانت نیکو را که به تو سپرده شده، پاس دار» (۱:۱-۱۴).

امید و انتظار پولس این بود که تیموتائوس مهم‌ترین حقیقت درباره زندگی و خدمت را از الگوی او بیاموزد: یعنی اینکه آموزه صحیح به ایمان و محبت صحیح می‌انجامد. این همان الگویی است که

پولس می‌خواست تیموتائوس پیروی کند. درست مانند نامه اول، پولس پس از این بنیادگذاری، به تیموتائوس هشدار می‌دهد که بی‌توجهی به بنا کردن زندگی و خدمت بر پایه باورها و دعوت شخصی، باعث شده که برخی ایمانشان را ترک کنند و از همکارانشان دور شوند (۵:۱). پولس چنین سرنوشتی را برای تیموتائوس نمی‌خواست.

در بخش دیگری از نامه، پولس دوباره امید خود را بیان می‌کند و از تیموتائوس می‌خواهد که از الگوی او پیروی کند و خدمت خود را بر پایه باورها و دعوت خدمتی بنا کند:

ولی تو تعلیم و رفتار و هدف و ایمان و صبر و محبت و تحمل مرا و آزارهایی را که دیدم و رنجهایی را که کشیدم، نظاره‌گر بوده‌ای و از آنچه... بر سرم آمد و آزارهایی که به من رسید، نیک آگاهی... اما تو در آنچه آموخته و بدان ایمان آورده‌ای پایدار باش، چرا که می‌دانی آنها را از چه کسان فرا گرفته‌ای، و چگونه از کودکی کتب مقدس را دانسته‌ای که می‌تواند تو را حکمت آموزد برای نجاتی که از راه ایمان به مسیح عیسی است. (۳:۱۰-۱۱، ۱۴-۱۵)

اکنون که مرگ نزدیک است، مهم‌ترین دغدغه پولس برای رهجوی محبوبش همچنان این است که او در ایمان و خدمت استقامت ورزد و دعوت خدمتی خود را به یاد داشته باشد. به نظر می‌رسد پولس به اندازه کافی نتواند این اصول بنیادین را تکرار کند.

شخصیت و توانمندی

با این حال، همان‌طور که در نامه اول دیدیم، پولس در این نامه نیز روشن می‌سازد که انتظار دارد تیموتائوس تنها به حفظ باورها و دعوت خدمتی‌اش بسنده نکند. تیموتائوس خوانده شده بود و عطا یافته بود که باورهای ایمانی خود را به دیگران تعلیم دهد و آن‌ها را الگو بگذارد. پولس می‌گوید: «آنچه را که در حضور گواهان بسیار از من شنیدی، به مردمان امینی بسپار که از عهد آموزش دیگران نیز برآیند» (۲:۲). در این نقطه است که استراتژی پولس برای بلوغ کلیسا آشکار می‌شود.^۹ پولس زندگی خود را در تیموتائوس سرمایه‌گذاری کرده بود. اکنون انتظار می‌رفت تیموتائوس همین سرمایه را در دیگران بگذارد. کار راهنمایی روحانی یعنی کاشتن باورها و شخصیت در زندگی دیگران تا آنان نیز بتوانند همین کار را با دیگران انجام دهند. این کار تکثیر، همان چیزی بود که تیموتائوس برای آن خوانده شده بود. هنگامی که پولس به مرگ نزدیک می‌شد، امید داشت که خدمت او از طریق سپرده‌گذاری وفادارانه و آگاهانه تیموتائوس در نسل بعد ادامه یابد.

و همان‌گونه که در نامه اول آمده بود، پولس روشن می‌کند که تیموتائوس باید این خدمت را با الگوسازی شخصیت خدایسندانه و نیز تعلیم درست و توانمند کلام حقیقت انجام دهد. دو بخش از نامه این مسئله را به خوبی روشن می‌کنند. نخستین بخش در دوم تیموتائوس ۲ آمده است:

اینها را پیوسته بدیشان یادآور شو و در حضور خدا هشدار ده که بر سر کلمات مجادله نکنند، که جز تباهی شنوندگان ثمری ندارد. سخت بکوش که مقبول خدا باشی، همچون خدمتکاری

که او را سببی برای شرمساری نیست و کلام حقیقت را به درستی به کار می‌بندد. از یاهوگویی های دنیوی بپرهیز، که شخص را هر چه بیشتر به بی‌دینی سوق می‌دهد. تعلیم چنین کسان مانند بیماری قانقاریا پخش می‌شود. از امیال جوانی بگریز، و به همراه آنان که با دلی پاک خداوند را می‌خوانند، در پی پارسایی و ایمان و محبت و صلح باش. از مباحثات پوچ و بی‌خردانه دوری کن، چرا که می‌دانی نزاعها برمی‌انگیزد. حال آنکه خادم خداوند نباید نزاع کند، بلکه باید با همه مهربان باشد و قادر به تعلیم و بردبار. باید مخالفان را به نرمی ارشاد کند، بدین امید که خدا به آنها توبه عطا فرماید تا به شناخت حقیقت برسند و به خود آمده، از دام ابلیس که ایشان را برای انجام خواست خود اسیر کرده است، برهند. (۲: ۱۴-۱۷، ۲۲-۲۶)

تیموتائوس باید نمونه شیوه زندگی مسیحی باشد (۲: ۱۵-۱۶، ۲۵-۲۲) و همچنین تعلیم‌دهنده آن (۱۵: ۲-۱۴، ۲۴-۲۵)؛ هم نسبت به اهل کلیسا (۱۴: ۲) و هم نسبت به بیرون از کلیسا (۱۵: ۲).^{۱۰} برای اینکه تیموتائوس چنین کند، باید در شخصیت خداپسندانه رشد می‌کرد و در توانمندی تعلیم و اعلام ایمان نیز قوت می‌یافت؛ به این امید که خدا از طریق شیوه زندگی و تعلیم تیموتائوس، مردم را به ویژه کسانی را که مخالف زندگی و پیام او بودند، به توبه رهنمون کند (۲: ۲۵-۲۶).

آخرین سفارش پولس به تیموتائوس همین امید را منعکس می‌کند. پولس می‌نویسد:

در برابر خدا و مسیح عیسی که بر زندگان و مردگان داوری خواهد کرد، و نظر به ظهور او و پادشاهی‌اش، تو را مکلف می‌سازم که کلام را موعظه کنی و به گاه و به بیگاه آماده این کار باشی و با صبر بسیار و تعلیم دقیق، به اصلاح و توبیخ و تشویق بپردازی. زیرا زمانی خواهد آمد که مردم به تعلیم صحیح گوش فرا نخواهند داد، بلکه بنا به میل خویش، معلمان بسیار گرد خود خواهند آورد تا آنچه را که گوشه‌ایشان طالب شنیدن آن است، از آنان بشنوند؛ و از گوش فرا دادن به حقیقت رویگردان شده، به سوی افسانه‌ها منحرف خواهند گشت. اما تو در همه حال به هوش باش؛ سختیها را بر خود هموار کن؛ کار مبشر را انجام ده و خدمت خویش را به کمال به انجام رسان. (۴: ۱-۶)

باز در اینجا دیده می‌شود که پولس چگونه چشم‌انداز خود برای تیموتائوس را ترسیم می‌کند: اینکه او دعوت خدمتی‌اش را از طریق ترکیبی از شخصیتی صبور، هوشیار و استوار، و از طریق موعظه و تعلیمی پیوسته، کوشا و توانمند به انجام رساند. پولس علاوه بر پاسداری و پرورش باورها و دعوت رهجوی خود، تا آخرین دم در پی آن بود که شخصیت و توانمندی او را پرورش دهد.

رابطه پولس با تیموتائوس بینشی بسیار ارزشمند درباره ماهیت راهنمایی روحانی به ما می‌دهد. از نامه‌های پولس به تیموتائوس درمی‌یابیم که تمرکز راهنمایی روحانی او بر چهار حوزه خاص از زندگی تیموتائوس بود: باورها، دعوت، شخصیت و توانمندی‌ها. هدف راهنمایی روحانی مسیحی نیز همین امور است. اگرچه زمینه و وضعیت روابط راهنمایی روحانی ما با روابط پولس و تیموتائوس متفاوت است، اما رابطه آنان به ما کمک می‌کند ماهیت و هدف‌های بنیادی راهنمایی روحانی را بشناسیم.

هر شخص جوانتری که به دنبال راهنمایی شدن است و هر بزرگتری که می‌خواهد راهنما باشد، از دستورالعمل‌های پولس بهره‌مند خواهد شد و می‌تواند رابطهٔ راهنمایی روحانی خود را بر اساس آن سامان دهد. باقی این راهنمای کاربردی قصد دارد در این باره ملاحظات عملی ارائه کند.

بحث و تأمل:

۱. کدام جنبه‌های راهنمایی روحانی پولس به تیموتائوس برایمان روشن می‌کند که روابط راهنمایی روحانی ما چگونه باید باشد؟
۲. از میان چهار حوزه‌ای که گفته شد (باورها، دعوت، شخصیت، توانمندی‌ها)، در کدامیک احساس می‌کنی بیشترین نیاز به رشد داری؟
۳. آیا به شغل و خدمت خود همان‌گونه که در بالا توصیف شد نگاه می‌کنی؟ برای اینکه چنین نگاهی داشته باشی چه چیزی باید تغییر کند؟

۲

یافتن یک راهنمای روحانی

در یک معنا، پیدا کردن یک راهنمای روحانی کار ساده‌ای است - کافی است بخواهی! کسی را پیدا کن که زندگی‌اش - باورهایش، دعوتش، شخصیتش و توانمندی‌هایش - ارزش الگوبرداری داشته باشد و از او بخواه راهنمای روحانی‌ات باشد. اما در عمل، پیدا کردن یک راهنمای روحانی معمولاً پیچیده‌تر از این است. اگر این قدر ساده بود، این پرسش یکی از رایج‌ترین پرسش‌هایی نبود که طی سال‌ها از من پرسیده شده است و این راهنمای کاربردی هم بسیار کوتاه‌تر می‌بود. اما در نهایت، فرآیند پیدا کردن راهنمای روحانی به همین نقطه می‌رسد: تو از کسی می‌خواهی که تو را راهنمایی کند. در این مسیر، چند نکته هست که دانستن آنها کمک می‌کند راهنمای روحانی مناسب را پیدا کنی.

۱. راهنمایی‌پذیر باش

این نکته به راحتی در فرآیند یافتن یک راهنمای روحانی نادیده گرفته می‌شود. و البته، در نمونه تیموتائوس نیز به سادگی ممکن است از چشم بیفتد. وقتی پولس وارد لستره شد، تیموتائوس از پیش در میان کلیسا خوش‌نام بود. هرچند دلیلش را دقیق نمی‌دانیم، پولس ویژگی‌هایی را در تیموتائوس دید که او را رهجوی بالقوه بسیار مناسبی برای راهنمایی روحانی می‌کرد. به بیان دیگر، تیموتائوس راهنمایی‌پذیر بود.

همان‌طور که پیش‌تر اشاره کردم، سال‌ها با جوانان بسیاری روبه‌رو شده‌ام که تصور می‌کردند داشتن یک راهنمای روحانی نوعی حق طبیعی در زندگی مسیحی است. تصور ناخودآگاه آنها شبیه این بود: «هرکسی یک پولس دارد.» و بارها مجبور شده‌ام توضیح بدهم: «نه، هرکسی یک پولس ندارد.» و نه فقط به این دلیل که پولس یک رسول بود! در بسیاری از کلیساها، از جمله کلیسای خود من، تقاضا برای راهنمایان روحانی بسیار بیشتر از تعداد کسانی است که می‌توانند این خدمت را انجام دهند. و بنابراین، کسانی که زندگی‌شان ارزش الگوبرداری دارد معمولاً از قبل مشغول راهنمایی روحانی دیگران هستند. به این معنا، راهنمایان روحانی کمتر در دسترس‌اند و ناگزیر در انتخاب رهجوها گزینشی عمل می‌کنند.

وقتی به دنبال راهنمای روحانی می‌گردی، باید از خودت بپرسی: «آیا من کسی هستم که آماده‌

الگوبرداری از زندگی‌ای شایستهٔ انجیل است؟» همه پولس ندارند. و یکی از دلایلش این است که همه تیموتائوس نیستند. با اینکه دربارهٔ تیموتائوس چیزهای زیادی نمی‌دانیم، اما این را می‌دانیم که او راهنمایی‌پذیر بود. او مشتاق و آماده بود تا کسی باورها، دعوت، شخصیت و توانمندی‌هایش را شکل دهد و تقویت کند. زمانی که پولس از شهر گذر کرد، تیموتائوس از پیش زندگی‌اش رو به سوی خدا بود.

۲. بدان کجا باید دنبال راهنمای روحانی بگردی

نکتهٔ عملی دیگر برای یافتن راهنمای روحانی این است که بدانی کجا باید او را پیدا کرد. راهنمای روحانی را می‌توان هرجایی یافت. اما بهترین مکان برای یافتن راهنمای روحانی کلیسای محلی خودت است. به این ترتیب، زندگی‌تان بیشتر در هم تنیده می‌شوند و راهنمایی روحانی عمیق‌تر می‌شود، زیرا زندگی روحانی‌تان توسط همان جماعت شکل می‌گیرد. هر هفته با هم پرستش می‌کنید و از همان تعلیم تغذیه می‌شوید. باورهای الهیاتی‌تان همسو می‌شود و ریتم‌های هفتگی پرستش‌تان مشترک است. یافتن راهنمای روحانی در جماعت خود این فرصت را فراهم می‌کند که راهنمایی روحانی از زندگی‌به‌زندگی شکل بگیرد، نه اینکه تنها به یک بخش از زندگی محدود شود. یافتن یک راهنمای روحانی در کلیسای محلی بسیار کمک می‌کند تا مهم‌ترین و بنیادی‌ترین بخش رابطه، یعنی باورهای مسیحی، مشترک باشد.

برای بسیاری از افراد، بزرگ‌ترین مانع در یافتن راهنمای روحانی این است که در جاهایی قرار ندارند که در آن افراد بزرگ‌تر حضور داشته باشند یا افرادی که در مراحل متفاوتی از زندگی هستند. متأسفانه، این مسئله حتی در کلیساهای نیز رایج است. برای بسیاری در کلیسای ما، جدی شدن در یافتن راهنمای روحانی یعنی اینکه زودتر بیدار شوند و در مراسم پرستشی زودتر کلیسا شرکت کنند. برای برخی دیگر، یعنی حضور در جلسات دعای ماهانهٔ کلیسا با هدف یافتن راهنمای روحانی. برای برخی دیگر، خروج از گروه خانگی‌ای که فقط هم‌سن‌وسال‌ها در آن بودند و پیوستن به گروهی متشکل از سنین مختلف. یا شرکت در مطالعهٔ کتاب مقدس ویژهٔ مردان یا زنان، برای اینکه با مردان و زنان بزرگ‌تر از خودشان باشند. در هر صورت، برای بسیاری، جدی شدن در یافتن راهنمای روحانی یعنی بازچینش برنامهٔ روزانه به گونه‌ای که بیشتر در جاهایی باشند که راهنمایان روحانی در آن یافت می‌شوند.

وقتی دربارهٔ یافتن راهنمای روحانی فکر می‌کنی، باید بپرسی: «آیا من در بسترهای درستی حضور دارم؟» چه چیز باید در برنامهٔ روزانه‌ات خصوصاً در زندگی‌ات در کلیسای محلی تغییر کند تا احتمال یافتن شخصی که زندگی‌اش ارزش الگوبرداری دارد بیشتر شود؟

۳. بدان دنبال چه کسی هستی

وقتی دربارهٔ این فکر می‌کنی که کجا باید به دنبال یک راهنمای روحانی بگردی، لازم است روشن باشد که دنبال چه کسی می‌گردی. وقتی به زنانی و مردانی فکر می‌کنی که زندگی‌شان ارزش الگوبرداری دارد، دقیقاً منظور چیست؟ فراتر از مسیحی بودن، دنبال چه ویژگی‌هایی در یک راهنمای روحانی هستی؟ اینجاست که دسته‌بندی‌ای که از نامه‌های پولس به تیموتائوس آموختیم می‌تواند

برای تو به عنوان یک رهجو مفید باشد. وقتی دنبال زن یا مردی می‌گردی که تو را راهنمایی روحانی کند، در واقع دنبال کسی می‌گردی که بتواند باورها، دعوت، شخصیت و توانمندی‌های تو را شکل دهد.

- **باورها:** در جست‌وجوی یک راهنمای روحانی، دنبال کسی هستی که در باورهای خود درباره خدا و انجیل روشن و راسخ باشد. لازم نیست استاد الهیات باشد یا ماشینش «الهیات نظام مند» حمل کند؛ اما باید مطمئن باشی که این شخص در حقیقت کلام خدا ریشه‌دار و استوار است. و فراتر از دانستن و بیان کردن آموزه درست، باید زندگی‌اش را بر اساس آن بنا کرده باشد. به یاد داشته باش پولس تیموتائوس را تشویق کرد که نه تنها آنچه را باور دارد، بلکه چگونه بر اساس آن باور زندگی می‌کند، الگو قرار دهد. وقتی دنبال راهنمای روحانی می‌گردی، در این بُعد دنبال کسی هستی که زندگی‌اش ارزش الگوبرداری داشته باشد. و بنابراین، کسی که بتواند تو را در باورهای مسیحی‌ات هدایت کرده، شکل دهد و تقویت کند.

- **دعوت:** علاوه بر باورهای مسیحی، باید دنبال کسی باشی که بتواند به تو در رشد در دعوت خدمتی و شغلی‌ات کمک کند. فرقی نمی‌کند شبان هستیم یا خانه‌دار یا معلم یا آرایشگر؛ دعوت‌های خدمتی و شغلی ما در پادشاهی خدا اهمیت دارد. در طول زندگی، زمان بیشتری را صرف شغل و حرفه خود می‌کنیم تا هر چیز دیگری، جز خواب. به همین دلیل است که یکپارچه کردن پرستش و کار بسیار مهم است. شغل و خدمت تیموتائوس خدمت شبانی بود، و پولس رسول به طرز منحصربه‌فردی مجهز بود تا به او کمک کند این دعوت را وفادارانه زندگی کند. اما تو چه؟ آیا تصویری از دعوت خدمتی/شغلی خود داری؟ شاید داری و دنبال راهنمای روحانی‌ای هستی که سال‌ها در همان حوزه خدمت کرده باشد. شاید هنوز به وضوح نرسیده‌ای و همین دلیل تو برای جست‌وجوی راهنمای روحانی باشد. در هر صورت، نکته مهم در یافتن راهنمای روحانی این است که دعوت و اخلاق کاری او برای تو قابل احترام باشد. واقعیت این است که بخش بزرگی از گفت‌وگوهای راهنمایی روحانی درباره کارت خواهد بود. وقتی دنبال راهنمای روحانی هستی، آگاهی از دعوت خدمتی/شغلی خودت - یا نبود آن - می‌تواند در تصمیم‌گیری‌های تو کمک‌کننده باشد.

- **شخصیت:** یکی از دوستان و راهنمایان روحانی من معمولاً می‌گوید: «شخصیت، پادشاه است.» و در یک رابطه سالم راهنمایی روحانی همین‌طور است. این را به روشنی در نامه‌های پولس به تیموتائوس می‌بینیم. بارها و بارها پولس تیموتائوس را درباره شخصیتش نصیحت، یادآوری و تشویق می‌کند. و وقتی پای راهنمایی روحانی در میان است، نمی‌توانی چیزی را بدهی که نداری. پس در جست‌وجوی راهنمای روحانی، دنبال زن یا مردی باش که شخصیت او در باورهایش ریشه گرفته و از آن شکوفا شده و رفتاری شایسته انجیل را زندگی می‌کند. ضرب المثلی مشهور در راهنمایی روحانی و شاگردسازی هست که می‌گوید: «بیشتر چیزها الگوبرداری می‌شود تا آموخته.» درباره شخصیت کاملاً همین است. شخصیت تو تحت تأثیر شخصیت راهنمای روحانیت شکل خواهد گرفت. و شاید این شکل‌دهنده‌ترین بخش رابطه باشد. بنابراین، هنگام جست‌وجوی راهنمای روحانی این را در نظر داشته باش؛ از عوامل ثانوی که

ممکن است ابتدا تو را به کسی جذب کند عبور کن و دنبال راهنمای روحانی‌ای باش که شخصیتش جذاب‌ترین چیز در اوست.

- **توانمندی‌ها:** در پایان، مجموعه‌ای از توانمندی‌های زندگی در کار، در خانه، در روابط و غیره هست که در سال‌ها و روزهای پیش‌رو باید در آنها رشد کنی. بخش مهمی از راهنمایی روحانی این است که کسی را داشته باشی که تو را در حوزه‌هایی که توانمند هستی تشویق کند و پیش ببرد، و در حوزه‌هایی که هنوز توانمند نشده‌ای، نصیحت کرده، تسلی داده و اصلاح کند. بدیهی است این به آن معنا نیست که باید راهنمای روحانی‌ای پیدا کنی که در همه حوزه‌های زندگی توانمند باشد؛ چنین شخصی وجود ندارد. و حتی ممکن است در برخی حوزه‌ها، به‌ویژه در دعوت شغلی، تو توانمندتر از راهنمای روحانیت باشی. آنچه می‌خواهم روشن کنم این است که در رابطه راهنمایی روحانی که در آن دنبال راهنمایی خدایسندانه برای همه زندگی هستی، مهم است که توان راهنمای روحانی‌ات را برای سخن گفتن درباره توانمندی‌های تو محترم بشماری. در بسیاری از موارد، این بخش جایی است که عملی‌ترین گفت‌وگوها اتفاق می‌افتد. یک راهنمای روحانی خوب می‌تواند قوی‌ترین توانمندی‌های تو را تشخیص و پرورش دهد و همچنین آشکارترین ناتوانی‌هایت را مشخص و اصلاح کند. هر دو برای رشد اهمیت دارند.

هرچند ممکن است اینها زیاد به نظر برسد و حتی کمی فشارآور، اما وقتی دنبال راهنمای روحانی هستی مهم است بدانی دنبال چه کسی می‌گرددی. به‌طور کلی، دنبال کسی هستی که زندگی‌اش برایت ارزش الگوبرداری دارد. مشخص‌تر، دنبال کسی هستی که بتواند باورها، دعوت، شخصیت و توانمندی‌های تو را پرورش دهد.

۴. **بدان چه باید بخواهی**

در نهایت، انجام «درخواست بزرگ» همان جایی است که تصمیم به عمل تبدیل می‌شود. هرچند پیدا کردن راهنمای روحانی فقط با سؤال پرسیدن انجام نمی‌شود، اما شیوه درخواست کردن بخش مهمی از بنیان‌گذاری رابطه مورد نظر است. سال‌ها یکی از رایج‌ترین پاسخ‌هایی که به پرسش «آیا راهنمای روحانی من می‌شوی؟» شنیده‌ام این بوده: «منظورت چیست؟» پس وقتی تصمیم گرفتی از چه کسی درخواست راهنمایی روحانی کنی، خوب است که بدانی دقیقاً چه می‌خواهی.

بسیار مفید است که در نظر بگیری دوست داری زمان‌های رسمی راهنمایی روحانی چگونه شکل بگیرد. هرچند ساختار نهایی بستگی به وقت و ترجیح راهنمای روحانی دارد، اما دانستن اینکه خودت چه می‌خواهی از همان ابتدا کمک‌کننده است. آیا می‌خواهی دو بار در ماه ملاقات کنی؟ هفته‌ای یک‌بار؟ آیا می‌خواهی زمان را با گفت‌وگوی آزاد بگذرانید؟ یا مطالعه کتاب؟ یا ترکیبی از اینها؟ دوست داری کجا ملاقات کنی؟ سر ناهار؟ در محل کار؟ این‌ها پرسش‌هایی هستند که باید پیش از درخواست درباره‌شان فکر کنی. یک‌بار دیگر: راهنمای روحانی در نهایت ساختار را تعیین می‌کند، اما فکر کردن به این چیزها از ابتدا نشان‌دهنده جدیت و اندیشه‌ورزی توست. حتی می‌توانی از همان چهار دسته – باورها، دعوت، شخصیت و توانمندی‌ها – استفاده کنی و فهرست مشخص‌تری از حوزه‌هایی که می‌خواهی رشد کنی تهیه کنی.

بنابراین وقتی دنبال راهنمای روحانی هستی، بدان چه می‌خواهی بپرسی. به این ترتیب وقتی پرسیدی: «آیا راهنمای روحانی من می‌شوی؟» و او پاسخ داد: «چه در ذهن داری؟» تو آماده خواهی بود. افزون بر این که این کار به تو کمک می‌کند روشن کنی از رابطه چه می‌خواهی، چنین دقت و اندیشه‌ورزی‌ات کمک می‌کند راهنمای روحانی بالقوه بتواند با تو تصور کند که رابطه راهنمایی روحانی چگونه می‌تواند باشد.

۵. بدان از چه کسی باید درخواست کنی

منبع مهم دیگری که در یافتن یک راهنمای روحانی اغلب نادیده گرفته می‌شود، دیگران هستند! به دیگران بگو که در جست‌وجوی راهنمای روحانی هستی و ببین آیا پیشنهادی دارند یا نه. اگر تصمیم گرفته‌ای راهنمای روحانی خود را در کلیسایت پیدا کنی، از شبانان و خادمان کلیسا بپرس که چه کسی را برای این نقش پیشنهاد می‌کنند. در بسیاری از موارد، آنها می‌توانند از آگاهی‌شان نسبت به زندگی تو و آنچه از یک رابطه راهنمایی روحانی انتظار داری استفاده کنند و کمک کنند تا کسی را بیابی که برای راهنمایی روحانی تو مناسب باشد. بارها دیده‌ام که افراد از دیگران برای پیشنهاد راهنمای روحانی پرس‌وجو می‌کنند و از چند نفر همان نام را می‌شنوند. چنین تأییدی همیشه مایه تشویق است. گرچه ممکن است فروتنی بخواهد، اما مفید است که به دیگران بگویی دنبال راهنمای روحانی هستی و نسبت به پیشنهادهای آنان گوشه‌باز باشی.

۶. دعا کن

و در نهایت و البته نه کم‌اهمیت‌تر اینکه برای یافتن راهنمای روحانی دعا کن. از یک جهت، یافتن یک راهنمای روحانی خوب شبیه پیدا کردن یک دوست خوب است. می‌توانی برای یافتنش آماده شوی و تلاش کنی، می‌توانی از دیگران توصیه بگیری، اما نمی‌توانی آن را صرفاً با زور و برنامه‌ریزی بسازی. در نهایت، یک رابطه راهنمایی روحانی سازنده، مانند یک دوستی عمیق، چیزی است که باید به‌عنوان عطای خدا دریافتش کنی؛ چون خداست که آن را به‌وقت خود فراهم می‌آورد. و این یعنی باید چشم به‌راه پاسخ دعاهايت باشی!

اگر تا اینجا خوانده‌ای، یعنی مشتاقی راهنمای روحانی پیدا کنی؛ کسی که باورها، دعوت، شخصیت و توانمندی‌هایت را شکل دهد و رهبری کند تا به بلوغ برسند. واقعاً عملی‌ترین اقدامی که در پاسخ به این اشتیاق می‌توانی انجام دهی این است که دعا کنی. از خدا بخواه راهنمای روحانی‌ای را که لازم داری به تو عطا کند. و چشمان و دستان را باز نگاه دار و آماده شناختن و دریافت کردن کسی باش که خدا در پاسخ به دعاهايت پیش خواهد آورد. پدر ما از اینکه ما را به صورت پسرش شکل دهد شادمان است، پس عجیب نیست اگر کسی را به زندگی ما بیاورد تا برای همین هدف از او استفاده کند. بنابراین وقتی فکر می‌کنی از چه کسی باید درخواست کنی و چه باید از او بخواهی، فراموش نکن که از خدا هم درخواست کنی. او دقیقاً می‌داند تو به چه کسی و چه چیزی لازم داری.

بحث و تأمل:

۱. از بخش بالا، چه اقداماتی را لازم است انجام دهی؟
۲. آیا احساس می‌کنی آماده‌ی راهنمایی شدن هستی؟ اگر آری، چه خوب! اگر نه، کدام حوزه‌ها در زندگی‌ات باید رسیدگی شوند؟
۳. چه کسانی می‌توانند راهنمایان روحانی خوبی برای تو باشند؟

۳

یک راهنمای روحانی بودن

همانند یافتن راهنمای روحانی، از یک جهت راهنمای روحانی شدن نیز کار ساده‌ای به نظر می‌رسد. کافی است بگویید «بله»! یا حتی بهتر، منتظر نمان تا کسی درخواست کند؛ ابتکار عمل داشته باش. کسی را بیاب که زندگی‌اش یعنی باورها، دعوت، شخصیت و توانمندی‌هایش را می‌خواهی شکل دهی و از او بپرس آیا می‌توانی راهنمای روحانی‌اش باشی. باز هم به نظر ساده می‌آید، اما می‌دانیم که یک راهنمای خوب بودن ظرافت بیشتری می‌طلبد. اگر به همین سادگی بود، تعداد کسانی که به دنبال راهنما هستند خیلی کمتر می‌شد. اما در قلب راهنمایی روحانی یک میل ساده وجود دارد: سپردن و منتقل کردن هر خبری که خدا در زندگی ما انجام داده است به دیگران. علاوه بر آمادگی برای این کار، چند نکته هست که باید برای موفقیت در راهنمایی روحانی در نظر داشته باشی.

۱. بدان که چیزی برای ارائه داری

یکی از نخستین و بزرگ‌ترین موانعی که زنان و مردان در مسیر راهنمایی روحانی با آن روبه‌رو می‌شوند این احساس است که «من چیزی برای ارائه ندارم». افراد می‌پرسند: «چرا کسی باید بخواهد من راهنمای روحانی‌اش باشم؟» یا «من چه چیزی برای دادن دارم؟» متأسفانه همین احساس‌ها بسیاری از کسانی را که چیزهای بسیاری برای ارائه داشتند در حاشیه نگه داشته است.

یکی از راه‌های مقابله با این عدم‌اعتماد به نفس این است که بپذیری این احساس‌ها طبیعی‌اند و در مسیر راهنمایی روحانی انتظار می‌روند. بله، افراد اندکی هستند که به‌وضوح می‌دانند چیزی برای ارائه به جهان دارند. اما بیشتر مردم، حتی کسانی که زندگی‌شان بدون تردید ارزش الگوبرداری دارد، معمولاً چنین حسی ندارند. ما اغلب خودمان را راهنمای روحانی نمی‌بینیم. تا حدی به این خاطر است که از بخش‌هایی از زندگی‌مان که خودمان نیاز به راهنمایی داریم آگاهیم! و این نکته مهمی است: راهنمای روحانی شدن به این معنا نیست که دیگر به راهنمایی روحانی در زندگی خود نیاز نداریم. ما هیچ‌وقت «محصول نهایی» نمی‌شویم، بنابراین لازم نیست تا آن زمان منتظر بمانیم تا به دیگران کمک کنیم. پایه راهنمای روحانی شدن این است که با فروتنی بپذیریم چیزی برای ارائه داریم.

اگر فکر می‌کنی چیزی برای ارائه نداری، از کسی که از تو درخواست راهنمایی روحانی کرده بپرس که به نظر او چه چیزی برای ارائه داری. و به یاد داشته باش راهنمایی روحانی در نهایت درباره تو نیست؛ درباره رهجوست. برای راهنما، ماهیت راهنمایی روحانی بیش از هر چیز درباره تشخیص نیاز رهجو و اینکه چگونه می‌توانی او را در آن مسیر خدمت کنی است، نه اینکه تو چه داری برای ارائه دادن. همه ما می‌توانیم دیگران را در محبت خدمت کنیم. قلب راهنمایی روحانی همین است: خدمت کردن رهجو در محبت.

۲. بدان که چه چیزی را راهنمایی می‌کنی

وقتی می‌کوشی امتیاز راهنمایی روحانی را به‌درستی مدیریت کنی و ظرفیت بالقوهٔ آن را در نظر بگیری، مهم است بدانی در رهجو چه چیزی را هدف گرفته‌ای. چه می‌خواهی شکل دهی، پرورش دهی و رشد دهی. چه انتظاری از نتیجهٔ راهنمایی روحانی داری؟ هدف تو چیست؟ دوباره، اینجاست که دسته‌بندی‌های نامه‌های پولس به تیموتائوس برای دنیای راهنمایی روحانی کاربردی می‌شوند. تو پولس رسول نیستی و رهجویت نیز تیموتائوس نیست؛ اما هدف تو، همانند پولس، شکل دادن به باورها، دعوت، شخصیت و توانمندی‌های رهجویت است.

- **باورها:** بنیادی‌ترین چیزی که می‌کوشیم در رهجوهای خود راهنمایی کنیم باورهای مسیحی آنان است. راهنمایی روحانی مسیحی، مشخصاً بر باورهای مسیحی بنا شده است. این به این معنا نیست که باید مدرک الهیات داشته باشی یا در ماشینت یک الهیات نظام‌مند حمل کنی! بلکه هدف بنیادین راهنمایی روحانی تو باید رو به سوی خدا باشد. راهنمای روحانی شدن به معنای فهم این است که هدف بنیادین تو در راهنمایی روحانی صرفاً انتقال حکمت نیست، هرچند امید می‌رود که این هم رخ دهد؛ بلکه این است که بکوشی رهجویت در انجیل عیسی مسیح ریشه‌دار و استوار شود.

- **دعوت:** البته، در کنار کمک به استوار شدن رهجو در باورهای مسیحی، به او کمک خواهی کرد تا دعوت خدمتی و شغلی خود را به یاد آورد و شاید آن را تشخیص دهد. همان‌طور که در نامه های پولس به تیموتائوس می‌بینیم، بخش زیادی از راهنمایی روحانی حول شغل و خدمت رهجو می‌چرخد. تو به او کمک خواهی کرد تا درون شکست‌ها و پیروزی‌ها، فراز و نشیب‌ها، شوق یا بی‌ رغبتی‌اش در شغل و خدمتی که خدا به او داده فکر کند. غالباً این مهم‌ترین و فوریت دارترین مسئلهٔ رهجو خواهد بود. ممکن است اصلاً رهجو تو را به این دلیل پیدا کرده باشد تا دربارهٔ شغل و خدمت خود وضوح یا اعتماد بیابد.

این بدان معنا نیست که باید همان حرفهٔ رهجویت را داشته باشی، هرچند گاهی مفید است و برخی هم آن را ترجیح می‌دهند. اما یک آتش‌نشان می‌تواند راهنمای روحانی یک حسابدار باشد و یک خانه دار می‌تواند راهنمای روحانی یک وکیل. در راهنمایی روحانی، آنچه اهمیت دارد نه نوع شغل بلکه شیوهٔ خدامحورانه انجام دادن آن شغل است. یکی از فرصت‌های اصلی یک راهنمای روحانی این است که به رهجو کمک کند ایمان و کار را یکپارچه کند؛ کار را نه صرفاً شغل بلکه دعوتی حقیقی و خدمت در زندگی ببیند. تو رهجویت را به اعتماد و شادی در دعوتش راهنمایی خواهی کرد.

- **شخصیت:** شکل‌گیری شخصیت قلب راهنمایی روحانی مسیحی است. وقتی راهنمای روحانی می‌شوی، در واقع از رهجو دعوت می‌کنی تا همراه با تو عیسی را پیروی کند و بیش‌ازپیش شخصیتش به شباهت مسیح در آید. این در نهایت هدف مرکزی راهنمایی روحانی است. بنابراین هنگام آمادگی برای راهنمایی روحانی، این را هدف نخست خود قرار بده. هرچند رهجو ممکن است تصور دیگری از معنای راهنمایی داشته باشد، تو باید وضوح داشته باشی که اولویت، شخصیت است. لازم نیست این را به صراحت به زبان بیاوری، اما باید در چشم‌انداز

تو در جای نخست باشد. کار اصلی تو این نیست که حکمت و دانش مخفی را به رهجویت منتقل کنی؛ بلکه باید او را به شکل‌گیری به شباهت شخصیت مسیح هدایت کنی - همان که در او حکمت و معرفت نهفته است.

و وقتی شکل‌گیری شخصیت را در مرکز توجهت در راهنمایی روحانی قرار می‌دهی، به یاد داشته باش رهجو بیشتر با مشاهده شخصیت تو یاد می‌گیرد تا با شنیدن سخنان. با دانستن این، در الگویی که می‌گذاری عمدی و آگاهانه عمل کن. و به‌طور آگاهانه فرصت‌هایی فراهم کن تا رهجو زندگی تو را ببیند. او را به خانه‌ات دعوت کن، یا اجازه بده در حرفه خودت یا در موقعیت‌های دیگر، تو را در عمل ببیند. چه باندن چه نداند، سودمندترین بخش راهنمایی روحانی تو همان اثری است که ناگزیر بر شخصیت رهجو خواهی گذاشت و بخش بزرگی از این اثر از طریق مشاهده زندگی تو خواهد بود. تمرکز خود را از این امر بردار. در میان همه گفت‌وگوها و تجربه‌هایی که رهجو می‌خواهد از تو بیاموزد، به یاد داشته باش آنچه رهجو بیش از هر چیز نیاز دارد تغییر شخصیت است. و یکی از راه‌های اصلی‌ای که خدا این کار را انجام می‌دهد از طریق الگوی توست.

- توانمندی‌ها: و در آخر، مجموعه‌ای از توانمندی‌های زندگی در کار، در خانه، در روابط و غیره هست که رهجو طی سال‌ها و روزها باید در آنها رشد کند. آرام باش؛ این به این معنا نیست که باید همه چیز را به او یاد بدهی یا در تمام حوزه‌های ناتوانی او توانمند باشی! در واقع، یکی از راه‌های مهمی که می‌توانی به رهجو کمک کنی این است که به او نشان دهی تو نیز با وجود اینکه سال‌ها بیشتر از او زندگی کرده‌ای، همچنان در حال تشخیص حوزه‌هایی هستی که باید یاد بگیری، رشد کنی و توانمند شوی. پس دل قوی دار؛ ناتوانی خودت بخش مهمی از آن چیزی است که تو را به یک راهنمای روحانی خوب تبدیل می‌کند!

وقتی درباره توانمندی‌ها در راهنمایی روحانی حرف می‌زنیم، بیش از همه درباره آگاهی صحبت می‌کنیم. بخشی از راهنمای روحانی بودن این است که حوزه‌های قدرت و ضعف آشکار رهجو را تشخیص دهی، درباره آنها صحبت کنی و آنها را پرورش دهی. هر دو مهم‌اند. و بخش مهمی از نقش تو این است که به رهجو کمک کنی این حوزه‌ها را بشناسد، آنها را بپذیرد و با شجاعت و وفاداری به آنها پاسخ دهد.

۳. بدان چه کسی را داری راهنمایی می‌کنی

علاوه بر اینکه بدانیم چه چیزی را در دیگران راهنمایی می‌کنیم، مهم است بدانیم چه کسی را راهنمایی می‌کنیم. هر چند اهداف دسته‌بندی‌شده برای راهنمایی روحانی همیشه یکسان‌اند، اما هر رهجو متفاوت است. و همین تفاوت یکی از بزرگ‌ترین امتیازهای هر رابطه راهنمایی روحانی را فراهم می‌کند: فرصت آشنا شدن با شخصی که داری او را راهنمایی می‌کنی.

گرچه مفهوم «منحصر به فرد بودن» در فرهنگ ما گاهی بیش از حد بزرگ‌نمایی شده، اما حقیقت این است که هرچه بیشتر رهجوی خود را بشناسی، مشخص‌تر و هدفمندتر می‌توانی او را راهنمایی کنی. از این جهت، می‌توان آن را به بزرگ کردن چند فرزند تشبیه کرد. دانستن اینکه چگونه به‌طور

کلی فرزندان را بزرگ کنی یک چیز است؛ و اینکه بدانی هر فرزند را مشخصاً چگونه باید بزرگ کرد یک چیز دیگر. از یک سو همه آنها را به یک شکل بزرگ می کنی؛ از سوی دیگر، همه را به طرز متفاوت نیز بزرگ می کنی. در راهنمایی روحانی هم همین است.

در این راستا، از شناخت رهجوی خود لذت ببر. مانند تربیت فرزندان، پیوندی که در رابطه ایجاد می کنی دنیایی از لذت و اعتماد می گشاید. و این دنیا هرگز شکل نمی گیرد اگر تنها بخواهی راهنمایی روحانی را به صورت «وصل کن و اجرا کن» انجام دهی. بخشی از دلیل اینکه پولس می توانست چنین نکته های مشخص و شخصی به تیموتائوس بنویسد این بود که رابطه او با تیموتائوس صرفاً معاملاتی نبود. رابطه چیزی فراتر از انتقال اطلاعات و دانش بود. بسیار فراتر.

هرچه زمان بیشتری صرف شناختن و محبت کردن به رهجو کنی، راهنمایی روحانی تحول آفرین تر خواهد شد. برای هر دویتان. در واقع، یکی از بزرگ ترین عطایای یک راهنمای روحانی به رهجو رابطه است. اگر شکل دهی شخصیت قلب راهنمایی روحانی باشد، رابطه روح آن است. پس بدان چه کسی را داری راهنمایی می کنی.

۴. بدان چگونه داری راهنمایی می کنی

علاوه بر دانستن اینکه چه چیزی و چه کسی را راهنمایی می کنی، بدان چگونه داری راهنمایی می کنی. منظور، شکل و ساختاری است که راهنمایی روحانی می گیرد. شکل های راهنمایی روحانی تقریباً بسیار متنوع هستند. می خواهی شکل رابطه تو چگونه باشد؟ دو بار در ماه با رهجوی خود دیدار داشته باشی؟ هفته ای یک بار؟ دوست داری زمان بر پایه گفت و گوی آزاد باشد؟ یا مطالعه یک کتاب؟ یا ترکیبی از این ها؟ کجا می خواهی ملاقات کنی؟ سر ناهار؟ در محل کار؟ در خانه؟ یا همه موارد؟ چه ساختاری کمک می کند بهتر باورها، دعوت، شخصیت و توانمندی های رهجو را پرورش دهی؟ این ها سؤالی هایی هستند که هنگام آمادگی برای راهنمایی روحانی باید درباره آنها فکر کنی. شاید مدتی طول بکشد تا بفهمی چه چیزی برایت بهتر است. اشکالی ندارد. آنچه مهم است این است که ساختار و نظم داشته باشد، هرچند ممکن است ساختار و نظم در طول زمان تغییر کند.

برای شروع، می توانی در نظر بگیری که هفته ای یک بار با رهجویت ملاقات کنی. شاید هر هفته روز و ساعت ثابت داشته باشی اما محیط متفاوت باشد. این کار کمک می کند تا روند آشنایی با رهجو را شروع کنی و نیازهای فوری رابطه راهنمایی روحانی را در ابتدا تشخیص دهی، در حالی که شما دو نفر به تدریج شکل و ساختار بلندمدت تری برای رابطه پیدا می کنید. در نهایت، تمایلات و ترجیحات تو باید ساختار را هدایت کند. از این خجالت نکش. تو راهنمای روحانی هستی. و هرچند هرگز نباید در راهنمایی روحانی خودخواهانه عمل کنی، اما شکل دادن و ساختار دادن به رابطه به شکلی که بتوانی به خوبی خدمت کنی در نهایت بهترین چیز برای رهجوست.

۵. حضور داشتن

در نهایت، بخش بزرگی از راهنمای روحانی بودن این است که با رهجو حضور داشته باشی و برای او. گمراه کننده خواهد بود اگر بگوییم حضور داشتن و گوش دادن فعال تمام راهنمایی روحانی است، اما

قطعاً بخش بزرگی از آن است. وقتی متعهد می‌شوی راهنمای روحانی باشی، به چیزی فراتر از یک ملاقات منظم متعهد می‌شوی. تو متعهد می‌شوی در زندگی رهجو حاضر باشی. تا زمانی که راهنمایی روحانی ادامه دارد و شاید پس از آن، تو متعهد می‌شوی از کسانی باشی که او می‌تواند روی حضورشان حساب کند. تو متعهد می‌شوی چشم، گوش و صدایی باشی که رهجو در یک فصل خاص زندگی به آن رجوع می‌کند. اساساً در زمان‌های ساختارمند رابطه راهنمایی روحانی، این امر خود را نشان می‌دهد. اما در سالم‌ترین روابط راهنمایی‌های روحانی، این حضور از مرزها فراتر می‌رود.

راهنمایی روحانی هر شکل و ساختاری داشته باشد، وقتی با رهجو دیدار می‌کنی حاضر باش. به خودت یادآوری کن که راهنمایی روحانی تنها صرف زمان با رهجو نیست؛ بلکه صرف زمان با کیفیت است. همه می‌دانیم می‌توان در جلسه یا گفت‌وگویی بود ولی واقعاً آنجا نبود. در راهنمایی روحانی در برابر این وسوسه بایست! حاضر باش. بکوش گوش بدهی و در روح مسیح، رهجو را محبت کنی. وقتی با او هستی، با او باش. بیش از هر چیز، آنچه رهجو از یک راهنمای روحانی انتظار دارد، شخصی است که در مسیر زندگی از او جلوتر است و حاضر است با او همراه باشد. کسی که با گوش دادن فعال محبت می‌کند.

و مرتبط با همین گوش دادن، بزرگترین عطایی که راهنمای روحانی می‌تواند به رهجو بدهد دعا کردن برای اوست. متأسفانه، این بخش از راهنمایی روحانی حتی در میان مسیحیان نیز اغلب نادیده گرفته می‌شود. بسیاری از مسیحیان، برخلاف اعترافاتشان، دعا را منفعل یا غیرعملی می‌بینند. شاید به همین دلیل است که دعا در بسیاری از رابطه‌های راهنمایی روحانی تقریباً غایب است. چرا باید درباره موضوعی دعا کرد وقتی می‌توان درباره‌اش با راهنمای روحانی صحبت کرد؟ پاسخ: زیرا تبدیلی که ممکن است در زندگی رهجو در یک ساعت دعای راهنما رخ دهد بیشتر از یک عمر گفت‌وگو در باب آن موضوع است.

پس در نهایت، ذات راهنمایی روحانی، حضور است. در راهنمایی روحانی خود، حضور داشتن است. در ملاقات با رهجو حاضر باش. و در دعا نیز برایش حاضر باش. در لحظه‌های بسیاری در راهنمایی روحانی شاید ندانی چه بگویی، یا احساس کنی نمی‌دانی چگونه باید باورها، دعوت، شخصیت یا توانمندی‌های رهجو را تقویت کنی. در هر زمان و به‌ویژه در آن زمان‌ها، راهنمایی روحانی را با حضور داشتن تحقق ببخش. حاضر شو، گوش بده و دعا کن.

بحث و تأمل:

۱. آیا آماده راهنمای روحانی شدن هستی؟ روی چه کسی می‌توانی سرمایه‌گذاری کنی؟
۲. از ویژگی‌های بالا درباره یک راهنمای روحانی خوب، کدام حوزه برای تو نقطه قوت و کدام نقطه ضعف است؟
۳. آیا الگوهای خوبی از راهنمایان روحانی دیده‌ای؟ چه چیزی می‌توانی از آنها بیاموزی؟



نتیجه‌گیری

در پایان، یک نکتهٔ تشویقی باقی مانده که دوست دارم به کسانی که در جستجوی راهنمای روحانی هستند یا می‌خواهند خودشان راهنما شوند بگویم: رابطه‌های راهنمایی روحانی همیشه همیشگی نیستند. دست‌کم بسیاری‌شان چنین نیستند. بسیاری – اگر نگوییم بیشتر – از این رابطه‌ها فصلی هستند. خدا راهنماها و رهجوها را برای دوره‌های مشخص و برای بخش‌های خاصی از راهنمایی روحانی وارد زندگی ما می‌کند.

پس وقتی برای یافتن راهنمای روحانی یا برای راهنما شدن آماده می‌شوی، آرام باش. احتمالاً این رابطه تا ابد ادامه پیدا نخواهد کرد. و به احتمال زیاد هم تنها رابطهٔ راهنمایی روحانی تعیین‌کنندهٔ زندگی تو – یا زندگی رهجویی که راهنمایی‌اش می‌کنی – نخواهد بود. رها کردن انتظارات ناسالم، فشار را کم می‌کند و امیدوارم کمک کند تا از رابطهٔ راهنمایی روحانی‌ای که خدا در مسیрт قرار می‌دهد لذت ببری.

درست است که تیموتائوس پولس را داشت و رابطه‌شان هم منحصر به فرد و بلندمدت بود؛ اما همهٔ افراد «یک پولس» ندارند. بیشتر ما نداریم. اما خدا در فیض خود ما را به افراد دیگری در کلیسایش وصل می‌کند تا در آنجا هم بگیریم و هم بدهیم؛ تا راهنمایی روحانی لازم را دریافت کنیم و بکنیم؛ تا باورهایمان عمیق‌تر شوند، احساس دعوت خدمتی‌مان تقویت شود، شخصیت‌مان پرورش یابد، و توانمندی‌هایمان تشویق شود. همه برای جلال و حرمت خدا.



یادداشت‌ها

1. Gordon D. Fee, *1 and 2 Timothy, Titus*, The New International Biblical Commentary (Peabody, MA: Hendrickson, 1988), 2.
 2. John Stott, *Guard the Truth: The Message of 1 Timothy & Titus*, The Bible Speaks Today (Downers Grove, IL: InterVarsity, 1996), 37.
 3. Hayne P. Griffin and Thomas D. Lea, *1, 2 Timothy, Titus*, The New American Commentary, vol. 34 (Nashville: Broadman, 1992), 43.
 4. Fee, *1 and 2 Timothy, Titus*, 58.
۵. پلت، اکین و مریدا تأکید می‌کنند: «پولس به همان تشویقی بازمی‌گردد که با آن آغاز کرده بود و به همان موضوعی که سراسر نامه را دربر گرفته بود: اینکه به حقیقت انجیل محکم بچسبد.»
- David Platt, Daniel L. Akin, and Tony Merida, *Exalting Jesus in 1 & 2 Timothy and Titus*, Christ-Centered Exposition Commentary (Nashville: B & H, 2013), 129.
6. Fee, *1 and 2 Timothy, Titus*, 102.
 7. Fee, *1 and 2 Timothy, Titus*, 13.
 8. Griffin and Lea, *1, 2 Timothy, Titus*, 44.
۹. فی اشاره می‌کند که بخشی از تمایل پولس برای سپردن پیام به دیگران توسط تیموتائوس، این بود که تیموتائوس بتواند زودتر افسس را ترک کند و نزد پولس بیاید. اگر چنین باشد، آنچه پولس در اینجا تشویق می‌کند چیزی بیش از یک مدل ساده خدمت است؛ بلکه روشی است که کلیسا از طریق آن سریع‌تر به بلوغ می‌رسد.
- Fee, *1 and 2 Timothy, Titus*, 1
۱۰. همچنان‌که فی توضیح می‌دهد: «پولس می‌خواهد تیموتائوس نوعی تعلیم را الگو قرار دهد که نه تنها خطا را رد می‌کند و شنودگانش را نجات می‌دهد، بلکه خدا از آن برای رهایی دادن کسانی که پیش‌تر گرفتار تعلیمات نادرست شده‌اند نیز استفاده می‌کند.»
- Fee, *1 and 2 Timothy, Titus*, 266.



THE
MENTORING
PROJECT

بو هیوز کشیش ارشد کلیسای Cities Church در مینیاپولیس - سنت پل است. او نویسنده کتابهایی به نام *Mercy for Today: A Daily Prayer from Psalm 51* و *Never Settle for Normal: The Proven Path of Significance and Happiness* است. او به همراه همسرش و هشت فرزندشان در قلب شهرهای دوقلو زندگی می‌کنند.

